

چه باید کرد؟

یک نامه عجیب از ملکم خان به ناصرالدین شاه

این نامه به تاریخ چهاردهم شهر ذی‌الحجه الحرام ۱۲۹۴ در لندن تحریر یافته و به عنوان نامه‌ای رسمی به تهران ارسال شده است. در پشت آخرین صفحه آن ناصرالدین شاه به خط خود نوشته است: «انشاءاله تعالی این پاکت را در حضور ملکم خان باز نمائید و خوانده شود در ایران فهمیده نمی‌شود.»

متن نامه چنین است:

جناب رفیق فدایت شوم می‌خواهید بدون طول و تفصیل بنویسم که چه باید کرد جواب بنده از این قرار است: از خلق فرنگستان صد کرویر پول بگیرید. از دول فرنگستان صد نفر معلم و محاسب و مهندس و صاحب منصب و اقتصاددان و کارشناس امور اداری بخواهید. این صد نفر معلم و صاحب منصب را در تحت ده نفر وزیر ایرانی مأمور نمائید که وزارت‌خانه‌ها و کل شقوق اداره دولت را موافق علوم این

عهد نظم بدهند.

از ممالک فرنگستان بیست کمپانی بزرگ به ایران دعوت نمائید و به آن‌ها امتیازات بدهید که صد کروور تومان دیگر به ایران بیاورند و مشغول شوند به آن احداثات معظم که در زبان فارسی اسم هم ندارند.

به راهنمایی این اقتصاددانان و به توسط این کمپانی‌ها راه‌های آهنی ایران را از چندین جا شروع کنید.

در هر یک از ممالک ایران بانک‌های تجارتي و بانک‌های ملکی و بانک‌های زراعت بسازید.

معادن و آب‌ها و جنگل‌های ایران را موافق همان اصول که در جمیع دول معمول است به کار بیندازید.

دیوان‌خانه‌های تجارتي ما را موافق قواعدی که مقتضی تجارت این عهد است نظم بدهید.

رسوم و شرایط تقسیم و تحصیل مالیات ما که الان از جمعه علوم عمیق دنیا شده است موافق این علوم تغییر و ترتیب تازه بدهید.

گمرک‌های داخله ما را به کلی موقوف نمائید.

از برای خالص‌جات ما به توسط این کارشناسان امور اداری یک اداره مخصوص ترتیب بدهید.

مسئله پول ایران که یکی از اسباب ناگزیر زندگی مفت و الان معایب آن علاوه بر خرابی تجارت ما به افتضاح دولت شده است بدهید.

هزار نفر شاگرد به فرنگستان بفرستید نه این که مثل سابق هر کدامی دو سه زن بگیرند. بلکه تا ده سال در مدرسه‌های این‌جا محبوس بمانند بطوری که ثلث آن‌ها در زیر کار بمیرند و باقی دیگر آدم شوند.

اصول کار اینها هستند.

کارهای کردنی اینها هستند.

تنظیماتی که فرنگستان از سفر همایون متوقع بود اینها هستند.

شکی نیست که هیچ‌یک از این کارها به عقل ایران ما درست نمی‌آید. شکلی نیست



• تصویری دیدنی از ناصرالدین شاه و ملکم‌خان در لندن

که اگر کسی جرأت بکند و این مطالب را در مجلس وزرای ما به زبان بیاورد همه متفقاً حکم بر سفاهت گوینده خواهند کرد ولیکن جناب شما که در حق بنده هنوز فی الجمله حسن ظنی دارید باید در این جا بعضی توضیحات را به دقت گوش بدهید:

خیالات و کارهای فرنگستان عموماً به نظر ما اغراق و عجیب و بی معنی می آید.

چرا؟

سببش این است که در ایران هوش و ذهن و فراست طبیعی خود را با عموم دنیا به کلی مشتهه کرده ایم جمیع آن مطالب علمی را که عقلای سایر ملل به جهت تحصیل آن عمرها صرف می کنند ما می خواهیم در ایران بدون هیچ زحمت و به هوش و ذهن طبیعی خود در آن واحد درک بکنیم این طرز تحقیق ما یک وقتی چندان عیب نداشت اما حالا به کلی معیوب است.

کارهای دنیا یک وقتی ساده بود و هر کس معنی آن ها را به حکم هوش و ذهن طبیعی می توانست به سهولت درک نماید. مهندسی عهد هوشنگ «حسابدانی حسن صباح» و وزارت کریم خان زند چندان عمق و امتیازی نداشت که فراست طبیعی نتواند معنی آن ها را بفهمد ولیکن در این عهد تازه به واسطه ترقیات علوم چنان اسباب و معانی عجیب بروز کرده که هوش طبیعی بدون علم کسی هرگز قادر ادراک آنها نخواهد بود.

هوش ذهنی بی علم چگونه می تواند بفهمد که محالات تلغراف و تصویر عکس را چه طور ممکن ساخته اند. هوش و ذهن مستوفیهای کابل چه طور می تواند قبول کند که در فرانسه دو سه نفر وزرای خود را در یک سال دو هزار کرور پول قرض کردند.

این ها مطالبی هستند که به جهت فهمیدن دقایق آن ها یک عمل سلیم باید اقلأً سی سال مشغول چندین علوم مختلف باشد.

ما در ایران از جمیع آن علوم تازه که قانون به کارهای فرنگستان دارد بی خبر هستیم «یعنی در هیچ مدرسه و در هیچ کتاب آن علوم را درس نخوانده ایم ولیکن این بی علمی ما هیچ تقصیر نیست. وزرای سایر دول نیز از اغلب این علوم بی خبر هستند. تکالیف وزرا به هیچ وجه این نیست که دارای جمیع علوم باشند نکته واجب این است که هوش و ذهن شخص خود را با علوم دنیا مشتهه نکنند.

در انگلیس یک دستگاهی هست که قدرت و امنیت و جان ملت انگلیس بسته به آن

است و این دستگاه عبارت است از وزارت بحریه. در این اوقات انقلاب و احتمال جنگ عمومی خواستند این دستگاه را محکم‌تر و معتبرتر بکنند. چه کردند؟ یک شخصی را آوردند وزیر بحری کردند که هرگز در خدمات بحریه و عسگریه نبوده و از اوضاع دریا و کشتی اصلاً اطلاعی ندارد. به همین طور اغلب می‌بینیم بر سر دستگاه‌های بزرگ چنان آدم‌ها مأمور می‌شوند که از علوم مخصوصه آن دستگاه به‌هیچ‌وجه بوئی نشنیده‌اند. با وصف وزرای بی‌ربط چه‌طور می‌شود که نظم امور این‌ها ساعت به ساعت در ترقی است؟ سببش همان است که عرض کردم:

وزرای فرنگستان هوش و ذهن خود را با وسعت علوم دنیا مشتبه نمی‌کنند هر علمی را که در مدرسه تحصیل نکرده‌اند بدون خجالت می‌گویند ما این علوم را نخوانده‌ایم و به حکم این اعتراف حکیمانه همیشه تحقیق مسائل عمده را رجوع به اصحاب علم مخصوص می‌نمایند.

برخلاف این رسم فرنگستان، ما در ایران تحقق جمیع مسائل را منحصرأ رجوع به هوش و ذهن شخصی خود می‌کنیم - در هر کار هوش و سلیقه شخصی خود را حکم مطلق قرار می‌دهیم علم و تحصیل از برای ما هیچ است. مسائل علمی از آن عمیق‌تر و مشکل‌تر نباشد حکم آن را در آن واحد جاری می‌کنیم. هیچ لازم نیست از وزرای ما بپرسند که این علوم و کمالات را در چه زمان و در چه کتاب تحصیل کرده‌اند. چون هوش و ذهن دارند کافی است. جمیع علوم را نخوانده می‌دانند «نمی‌دانم» و «نخوانده‌ام» در زبان ایشان کفر است. دانستن جزو منصب است. خیال می‌کنند که اگر احیاناً در یک مسئله بگویند نمی‌دانم شأن و منصب شخص آن‌ها به کلی خواهد رفت.

قسم می‌خورم که در میان این صد نفر فرنگی که در تهران هستند یک نفر نیست که جرأت بکند بگوید من اکونومی پولتیک می‌دانم، اما جمیع اهل درب خانه ما کل این علوم را در سینه خود مضبوط دارند! اگر از سفرای انگلیس و فرانسه بپرسند بانک را چه‌طور ترتیب می‌دهند یقیناً بلا تأمل جواب خواهند داد که این مطلب علوم مخصوص لازم دارد و ما نخوانده‌ایم و نمی‌دانیم اما اگر این مسئله را رجوع به مجلس وزراء نمائیم نه تنها جمیع وزراء بر کل دقایق آن احکام قطعی جاری خواهند کرد بلکه فرآش‌های خلوت ما نیز جمیع معایب آن را در آن واحد خواهند شکافت.

ارسطو که یکی از اعظم عقول دنیا محسوب می‌شود هرگاه حالا زنده بشود با جمیع علوم و عقل خود نمی‌تواند بدون تحصیل علوم تازه بفهمد استقراض دولتی یعنی چه اما شهاب‌الملک مرحوم و امثال غیر مرحوم او با علم نخوانده همه نکات این عمل را کاملاً می‌دانند ... !!

دول فرنگستان به جهت ترقی علوم اکونومی پولتیک کرورها خرج می‌کنند و چندین هزار نفر عمر خود را در تحصیل این علوم تلف می‌نمایند تا این که چند نفر اکونومیست پیدا می‌شوند. در ایران هیچ احتیاج به این نقل‌ها نیست ما همه اکونومیست کامل هستیم بانک و راه‌آهن و علوم مالیه و علوم اداره همه در نظر ما مثل آب سهل و روشن است. مادامی که در ایران وضع تحقیق ما این است مادامی که وزرای ما همه علوم را نخوانده می‌دانند بدیهی است که در ایران هیچ کار تازه ممکن نخواهد بود.

پس چه باید کرد؟

اولاً آن فضول‌های احمق که می‌گویند ما همه این کارها را فهمیده و همه این علوم را می‌دانیم باید آن‌ها را از مجلس وزراء بیرون کرد.

ثانیاً آن اشخاص با شعور که می‌گویند ما از این علوم بی‌خبر هستیم ولی اجرای این کارها را موافق عقل از برای ایران واجب و ناگزیر می‌دانیم باید دست این اشخاص را بوسید و ایشان را مأمور کرد که این قبیل کارها را مجراً بدارند.

سرتان را به تأسف حرکت می‌دهید و آهی می‌کشید که این ناظم‌الملک ساده لوح چرا به این شدت از اوضاع ایران بی‌خبر است مضمونی که می‌خواهید به من جواب بنویسید این است که ای رفیق این‌جا ایران است این‌جا ملک اسلام است «صد باد صبا این‌جا بی سلسله می‌رقصند». مستوفی‌ها صد نوع مضمون خواهند گفت، علما پوست ما را خواهند کند.

این تعرضات کهنه حالا دیگر واقعاً بدتر از فحش است. هرگاه این کارها که ذکر شد به‌دین اسلام به قدر ذره‌ای مخالفت داشته باشند یا دستگاه علما سر مونی ضرر برسانند یا از مداخل و اعتبار مستوفی‌ها چیزی کم بکنند ایراد شما به جا می‌شود ولیکن در نیم ساعت می‌توان مثل آفتاب روشن کرد که مصلحت ملا و مستوفی و خیر دین و دولت در اجرای این کارها و مجبوراً و منحصراً بسته به این کارهاست.

با صد کرور سرمایه و با آن تدابیر معجز نما که سایر دول را غرق نعمت کرده در دو سال محصولات ایران سی‌چهل مقابل بیشتر خواهد شد یعنی حالا هر قدر غله و ابریشم و تریاک و تنباکو به عمل می‌آید سی‌چهل مقابل بیشتر به عمل خواهد آمد و همین که محصولات ایران سی‌چهل مقابل زیادتر خواهد شد و آن وقت ملا و مستوفی، رعیت و لشگر، نوکر و پادشاه در جمیع امور خود، چنان وسعتی پیدا خواهند کرد که از تصور حالت امروزه خود وحشت نمایند.

مطالب را بیش از این شرح نمی‌دهم. به سلیقه بنده کارهای کردنی عبارت از همان فقرات است که ذکر شد.

هرگاه این کارها را به میزان ذهن و فراست شخصی خود بسنجیم شکی نیست که همه معیوب و مضر و بی‌معنی و محال به‌نظر خواهد آمد اما هرگاه این کارها را از روی علوم معینه تحقیق کنیم بلا تأمل تصدیق خواهیم کرد که اجرای آنها سهل و طبیعی و موافق دین اسلام و متضمن نجات دولت است.

معنی این کارها خواه مقبول، خواه مردود با اجرای این کارها خواه مشکل. خواه آسان جان مطالب این است که خارج از این کارها هر چه بکنیم در نظر فرنگستان بی‌معنی جز و بازیچه و اسباب تمسخر و مایه تضحیح عمر دولت خواهد بود. ■

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی